



# اخبار فخ

به روایت احمد بن سهل و ابوالفرج اصفهانی

■ ثروت سلیمان زاده افشار

## چکیده

متن حاضر روایت اخبار فخ از دو منبع دست اول و دو اثر قدیمی است دربارهٔ «قیام فخ».

منبع نخست، کتاب «مقاتل الطالبیین» تألیف ابوالفرج اصفهانی (۳۵۹ق.) است که به نظر می‌رسد از زمان تألیف مشهور بوده و یکی از کتب مرجع و منبع مهم در شرح این واقعه محسوب می‌شود و بیشتر پژوهشگران و نویسندگان واقعهٔ فخ، از این کتاب بهره برده‌اند.

منبع دوم، کتاب «اخبار فخ» نوشتهٔ احمد بن سهل رازی است که تا عصر حاضر در دسترس نبوده و به تازگی انتشار یافته است. هر چند نویسندگان هر دو کتاب، معاصر و هم‌دوره بوده و از منابع یکسانی بهره گرفته‌اند و هر دو از بزرگان مذهب «زیدیه» هستند، اما اختلافاتی اساسی در تألیف آن‌ها به چشم می‌خورد



وسعی ما بر این است که اختلافات را به صورت موردی بررسی نموده و سپس علت این تفاوت‌ها را بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: حسین بن علی، قیام فح، کتب اخبار، احمد بن سهل، ابوالفرج اصفهانی.

### مورخانی که از فح نوشته‌اند:

قیام فح، همواره مورد توجه صاحبان اخبار و مقاتل، مورخان و همچنین محدثان بوده است و هریک از آن‌ها با انگیزه و هدفی به ثبت و ضبط آن پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به آثار دینوری<sup>۱</sup>، یعقوبی<sup>۲</sup>، کلینی<sup>۳</sup>، طبری<sup>۴</sup>، ابوالفرج اصفهانی<sup>۵</sup>، مسعودی<sup>۶</sup>، ابن اثیر<sup>۷</sup>، ابن طقطقی<sup>۸</sup> و ابن کثیر<sup>۹</sup> اشاره کرد که مطالب موجود در این منابع، تا حدی یکسان است و تنها تفاوت در «اختصار» و «تفصیل» نگارش واقع می‌باشد. اما در این میان، کتاب دیگری با عنوان «اخبار فح» نوشته احمد بن سهل رازی به تازگی منتشر شده است. این کتاب که از نوع تک نگاری<sup>۱۰</sup> است، از منابع دست اول این حادثه محسوب می‌شود. مؤلف این کتاب

به واقعیات تاریخی توجه داشته و اسناد و مدارکی را ثبت کرده است که هیچ کدام از منابع یاد شده آن‌ها را نیاورده‌اند.

بنابراین، تصمیم گرفته شد میان مطالب این کتاب و سایر منابع موجود، مقایسه‌ای صورت گیرد که از این میان کتاب «مقاتل الطالبین» به دلایل زیر انتخاب گردید:

۱. از منابع دست اول درباره واقعه فخ بوده و از مراجع اصلی تمامی محققان در این باره است.

۲. این واقعه را به تفصیل آورده است؛ به طوری که دیگر منابع، مطلبی اضافه بر آن ندارند.

۳. هر دو مؤلف شیعه زیدیه هستند.

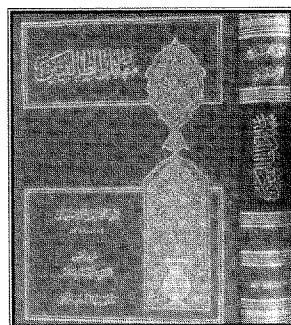
۴. مؤلف هر دو کتاب، تاحدی معاصر و هم دوره بوده‌اند.

۵. منابع و اسناد هر دو، در بسیاری از موارد یکسان است.

۶. منبع نویسندگان هر دو کتاب، یا کسانی هستند که در واقعه فخ حضور داشته‌اند و یا به نقل از کسانی است که سلسله سندشان به شاهدان واقعه می‌رسد.

### کتاب مقاتل الطالبین

این کتاب تألیف علی بن حسین، معروف به ابوالفرج اصفهانی (م. حدود ۳۵۹ ق.)، شاعر، ادیب، مورخ مشهور و صاحب کتاب الأغانی است. قرائن نشان می‌دهد که او زیدی مذهب است.<sup>۱۱</sup> هدف وی از تألیف این کتاب، چنان که خود گفته، شرح احوال و مرگ فرزندان ابوطالب از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری است. از این رو، کتاب با احوال مقتل جعفر بن ابی طالب آغاز شده و با عبدالرحمان بن محمد بن عیسی در دوره مقتدر عباسی پایان یافته است. بدین ترتیب، ابوالفرج، مختصری از زندگی و مرگ ۲۱۶ تن از طالبیان را نگاشته کرده.<sup>۱۲</sup>



ابو الفرج درباره اسناد و مدارک مورد استفاده اش درباره حادثه فخ می‌نویسد:

«از نوشته‌ها و روایانی که در این تألیف بهره برده‌ام؛ احمد بن عبید الله بن عمار، از علی بن محمد بن سلیمان نوفلی، از پدرش، از احمد بن سلیمان بن ابی شیخ و عمر بن شبّه نمیری از پدرش، و علی بن عباس مقانعی، از محمد بن حسن مزنی، از احمد بن حسن مروان و حسن بن محمد مزنی، از علی بن محمد بن ابراهیم، از بکر بن صالح، از عبدالله بن ابراهیم جعفری و همچنین از نسخه‌ای که به خط احمد بن حرث خزاز بود.

من در بسیاری از مواقع روایات مشابه روایان مختلف را با هم ترکیب کرده و با لفظ «قالوا» آورده‌ام، مگر این‌که روایت اختلاف اساسی با سایر روایات داشت. در این صورت، آن روایت و آن راوی را جداگانه آورده‌ام.»

### کتاب اخبار فح

شناخت ما از این کتاب تازه‌گی دارد و به سال ۱۹۹۵م/ ۱۳۷۴ش. بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که ماهر جرار آن را با استفاده از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های برلین و جامع صنعا، تصحیح و با مقدمه‌ای بسیار ارزشمند و محققانه به چاپ رسانید.<sup>۱۳</sup> این کتاب تألیف احمد بن سهل رازی است که هیچ آگاهی از او در دست نیست، اما تحقیق اسانید او نشان می‌دهد که در اواسط قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری می‌زیسته و از ابوالفرج اصفهانی مؤلف مقاتل الطالبيين (متوفای ۳۵۹ق.) بزرگتر است.<sup>۱۴</sup> ماهر جرار می‌گوید: احتمالاً زمان تألیف کتاب حد فاصل بین امامت ناصر للحق حسن الاطروش (م. ۳۰۴ق.) و داعی حسن بن علی (م. ۳۱۶ق.) بوده که برای پیروان مذهب زیدیه در دیلم ایران نوشته شده است.<sup>۱۵</sup> وی برای اثبات نظریه خود، چنین می‌نویسد:

«توجه خاص مؤلف به اخبار دعوت و خروج حسین بن علی، یحیی و ادریس و پسران عبدالله محض و عدم پرداختن به شرح احوال دور و نزدیک آن‌ها قبل از خروج، چنین نشان می‌دهد که این کتاب اساساً برای پیروان این مذهب نوشته شده باشد.<sup>۱۶</sup> شاید عدم دسترسی عموم به این کتاب هم به همین علت بوده است.

منابعی که احمد بن سهل از آن‌ها بهره برده، عبارت اند از:

۱. کتاب «خروج صاحب فح و مقتله»، تألیف عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن علی عبدالله

بن جعفر بن ابی طالب، که مؤلف در روایت بخش اعظمی از کتابش بر او اعتماد کرده است و اسناد مؤلف به او از طریق حسن بن عبدالواحد کوفی از بکر بن صالح رازی از عبدالله بن ابراهیم جعفری است.

۲. کتاب «حسن بن عبد الواحد کوفی» که نامش دقیق دانسته نیست، فقط در این حد می دانیم که موضوع آن درباره قیام های «طالبیین» بوده است؛ علاوه بر این، چنانچه در بالا اشاره کردیم، اسناد مؤلف به عبد الله بن ابراهیم جعفری از طریق وی بوده است و مؤلف، بخش اساسی روایات خود را از حسن بن عبدالواحد کوفی نقل کرده است.

۳. عمر بن شبه و مدائنی: مؤلف بی واسطه از عمر بن شبه روایت می کند، اما اغلب روایتش از مدائنی از طریق عمر بن شبه است.

۴. اسناد شفاهی: مؤلف همچنین از روایان معروف زیدیه؛ مانند محمد بن قاسم بن ابراهیم رسی و محمد بن منصور مرادی و بعضی دیگر که تا به امروز ناشناس مانده اند، بهره برده است.<sup>۱۷</sup>

چنانکه ملاحظه گردید، روایان ابوالفرج اصفهانی و احمد بن سهل رازی، در بسیاری از موارد یکی هستند.<sup>۱۸</sup>

### اجزاء کتاب واقعه فخ:

#### الف: واقعه فخ

ب: جان سالم بدر بردن یحیی و ادريس، پسران عبدالله محض از این حادثه.

ج: اخبار ادريس در افریقه و مغرب تا شهادت.

د: اخبار یحیی، سرگردانی او در شهرها، رفتن وی به یمن، استفاده علمای بسیار از محضر او؛ از جمله محمد بن ادريس شافعی، رسیدن وی به دیلم در شمال ایران و فراگیر شدن او در آنجا، هراس هارون از قدرت او، سرانجام دستگیری و کشتن او توسط وی.

احمد بن سهل، طبق معمول آن زمان، کتابش را با خطبه ای بسیار کوتاه آغاز کرده است. سپس در بیان علت تألف کتابش می نویسد:

«هر چند این کتاب درباره اخبار یحیی بن عبدالله است اما از آنجا که علت توجه مردم به او، به سبب حضورش در قیام فخ در کنار حسین بن علی است، کتاب را با واقعه فخ



آغاز می‌کند؛ چنانکه از گفتار خود او استفاده می‌شود، توجه اصلی نویسنده به نتیجه قیام است، بلافاصله بعد از این مقدمه کوتاه، به بیان شرح قیام فح می‌پردازد.»

ابوالفرج بعد از بیان شرح احوال پدر، مادر و سایر بستگان حسین<sup>۱۹</sup>، با آوردن چندین روایت، به تفصیل از بخشنده‌گی حسین یاد می‌کند.<sup>۲۰</sup> سپس به بیان این قیام می‌پردازد.

**خلاصه‌ای از این قیام، به روایت هر دو نویسنده:**

#### واقعه فح

به روزگار خلافت‌های عباسی (۱۶۹-۱۶۸) سخت‌گیری بر علویان شدت بیشتری گرفت. عامل مدینه آن‌ها را مجبور می‌ساخت که هر روز در دارالاماره حاضر شده، خود را معرفی کنند؛ او به این هم اکتفا نکرده، آن‌ها را ضامن حضور یکدیگر قرار داده بود و یکی را به سبب غیبت دیگری مواخذه و باز داشت می‌کرد. روزی حسین بن علی (بن حسن بن حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب) را به خاطر غیبت حسن بن محمد بن عبدالله (بن حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب) که ضامن او بود، سخت مواخذه کرد و از او خواست

که هر چه سریعتر حسن را به دارالاماره بیاورد. ظاهراً حسین بعد از مشورت با امام موسی بن جعفر و سایر علویان از جمله یحیی و ادريس پسران عبدالله محض، صبحدم روز ۱۳ ذی قعدة همراه با لباس های سفید، وارد مسجد النبی شدند. او بر پایه عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ برپایی عدالت و رضا از آل محمد ﷺ بیعت گرفت. حسین بعد از یازده روز اقامت در مدینه، در روز ۲۴ ذی قعدة به همراه ۴۰۰ نفر از پیروانش به مکه رفت و دینار خزاعی را به نیابت خویش در مدینه گذاشت. هادی عباسی با شنیدن خبر قیام حسین و حرکت او به مکه، سپاهی را به فرماندهی محمد بن سلیمان که از خویشاوندان حسین نیز بود، به مقابله با او فرستاد. عباس بن محمد و سلیمان بن ابی جعفر عباسی هم به سپاه محمد پیوستند. در روز ترویه، هشتم ذی حجه سال ۱۶۹ در سرزمین فح - نزدیک مکه - بین این دو سپاه جنگ سختی در گرفت. در جریان جنگ، حسین و تعدادی از یارانش به شهادت رسیدند و بقیه سپاه پراکنده شدند.

جسد آن ها در میدان جنگ رها شد و سرهایشان را به همراه اسرا برای هادی فرستادند. والی مدینه که از ترس فرار کرده بود، با شنیدن خبر شهادت حسین به مدینه برگشت و خانه او و خاندانش را بسوخت و اموالش را مصادره کرد. یحیی و ادريس پسران عبدالله که از این جنگ جان سالم به در برده بودند، از دعوت دست نکشیدند. سرانجام ادريس توانست به مغرب برود و به کمک بربرها حکومتی را در آنجا تأسیس کند. قدرت یحیی هم در ایران فزونی گرفت و سرانجام هارون با حيله و نیرنگ او را به دست آورد و به شهادت رساند.<sup>۲۱</sup>

### بررسی جزئیات در این باره:

ابوالفرج در این باره روایات و احادیثی از پیامبر ﷺ، امام جعفر صادق ﷺ و عبدالله محض - که درباره پیشگویی خبر شهادت حسین است - نقل می کند.<sup>۲۲</sup> آنگاه از شنیده شدن صدای هاتفی<sup>۲۳</sup> به هنگام شهادت حسین سخن می گوید. هیچ کدام از این روایات در کتاب اخبار فح نیامده است، شاید دلیلش این باشد که احمد بن سهل این مطالب را خارج از محدوده تاریخ می دانسته است.

هر دو مؤلف به مشورت حسین با امام موسی بن جعفر ﷺ تصریح کرده اند. ابوالفرج

در سه روایت به شرح ماجرا می پردازد:

در یکی از آن‌ها برتری مقام حسین نسبت به امام موسی بن جعفر علیه السلام به چشم می خورد!<sup>۲۴</sup>

و در روایت دیگری عکس این مطلب است که از قول حسین بن علی و یحیی بن عبدالله می نویسد: بعد از مشورت با موسی بن جعفر، آن حضرت به ما دستور داد که خروج کنید.<sup>۲۵</sup>

در روایت سوم باز هم صحبت از پیشگویی نتیجه قیام است که این بار از طرف امام موسی بن جعفر علیه السلام صورت گرفته است که: «تو کشته می شوی، پس ضربات شمشیرت را محکم فرود آر. این‌ها قومی هستند که تظاهر به ایمان می کنند و نفاق و شرک خود را پنهان می دادند. از خدایم و به سوی او بر می گردیم و نزد خدای عز و جل.»<sup>۲۶</sup>

او همچنین روایت کرده است: چون سپاه سرهای شهدای فخر را به نزد عباس بن محمد و موسی بن عیسی آورده‌اند، با آن تعدادی از علویان آنجا بودند، تنها موسی بن جعفر علیه السلام بود که با دیدن سر حسین فرمود: «از خدایم به سوی او بر می گردیم. به خدا سوگند حسین از دنیا رفت در حالی که مسلمان و نیکو کار و روزه دار و آمر به معروف و ناهی از منکر بود» در اهل بیتش کسی همانند او نبود.<sup>۲۷</sup>

احمد بن سهل در این باره فقط یک روایت آورده است: «پسر عموهایم! در جهاد با آن‌ها کوشا باشید، من هم در خون آن‌ها با شما شریکم. آنان گروه فاسقی هستند که کفرشان را پنهان می کنند و تظاهر به ایمان می کنند.»<sup>۲۸</sup>

چنین به نظر می رسد که ابوالفرج با نقل این روایات می خواهد نقش امام را در این واقعه بسیار پررنگ نشان دهد و یا حداقل موافقت امام را در این باره برساند. اما این سهل در این باره تنها به یک واقعیت اشاره می کند و آن اصل مشورت است.

با آن که نص بیعت را هر دو مؤلف به روایت از ارطاة<sup>۲۹</sup> بن حبيب نقل کرده‌اند، اما در روایت ابوالفرج علاوه بر جا به جایی جملات و تکرار برخی از آن، عبارت «أَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>۳۰</sup> اضافه شده است که بنا به دلایل زیر نمی تواند در اصل متن بیعت وجود داشته باشد:

۱. این شعار در دعوت بنی هاشم علیه بنی امیه مطرح شد که استفاده از آن، هم برای



علویان و هم عباسیان بالسویه بوده است؛ هر چند عباسیان از آن برای به قدرت رسیدن خویش بهره برده‌اند.

۲. این شعار از طرف دعوات فاطمی و حتی داعیان دروغین استفاده می‌شده و نه از طرف شخص فاطمی که مردم را به امامت خود فرا می‌خوانده است؛ مانند حسین بن علی.

۳. احتمالاً این شعار در نص بیعت نقل شده در کتاب ابوالفرج از طریق حسن بن محمد مزنی اضافه شده است و این دلایل نشان می‌دهد که نص بیعتی که احمد بن سهل آورده، متقن‌تر از متن ابوالفرج است.<sup>۳۱</sup>

احمد بن سهل یک سخنرانی از یحیی بن عبدالله و دو سخنرانی از حسین را نقل کرده که قبل از جنگ فخ در اردوگاه ایراد کرده‌اند. هدف از سخنرانی یحیی بن عبدالله که مشحون از آیات الهی است، تحریض پیروان به جنگ است.<sup>۳۲</sup> آنچه که در سخنرانی اول که از اسحاق بن ابراهیم<sup>۳۳</sup> روایت شده، به چشم می‌خورد اسم بزرگان زیدیه<sup>۳۴</sup> است که حسین در خلال سخنرانی از آن‌ها به عنوان «سلف صالح» یاد می‌کند که بیانگر اعتقاد سیاسی حسین است، این سخنرانی همچنین اعتقاد راسخ حسین را نسبت به راهی که در پیش گرفته نشان می‌دهد. ابوالفرج از این سخنرانی فقط یک جمله از اول و یک جمله از آخر آن را نقل کرده است.<sup>۳۵</sup> آنچه که در سخنرانی دیگری که از حسین توسط سعید بن خثیم هلالی<sup>۳۶</sup> روایت شده به چشم می‌خورد اوضاع و شرایط مذهبی و سیاسی این دوره از نظر حسین بن علی است که او جهاد در چنین وضعیتی را واجب الهی می‌داند.

در پاسخ حسین به امان نامه محمد بن سلیمان به روایت از محمد بن قاسم بن ابراهیم آمده است که: «من به خاطر دنیا و یا طمع در اموال مسلمین قیام نکرده‌ام بلکه قیام من یاری دین خدا و شهادت در راه اوست تا حجتی باشد بر امت و در این کار به اسلاف مجاهدم اقتدا کرده‌ام».<sup>۳۷</sup>

ابوالفرج خود پاسخ حسین را نیاورده و فقط به جمله «حسین به شدت از پذیرفتن امان نامه ابا کرد».<sup>۳۸</sup> اکتفا کرده است.

آنچه که در باره این سخنرانی‌ها می‌توان گفت این است که این‌ها اسناد مهمی هستند که اهداف و انگیزه‌های حسین بن علی را در این قیام روشن می‌کند و همچنین اعتقادات سیاسی او را نشان می‌دهند و نیز بیان‌گر اوضاع مذهبی و سیاسی این دوره هستند و سر نخ‌های خوبی برای محققین در این باره هستند.

## نتیجه

چنانکه دیدی با آن که احمد بن سهل و ابوالفرج تقریباً معاصر بوده و از منابع یکسانی بهره برده‌اند و هر دو زیدی مذهب هستند، اما گزینش مطالب آن‌ها درباره این حادثه با یکدیگر تفاوت دارد. ابوالفرج بیشتر به روایاتی توجه کرده که هم به پیشگویی وقوع این قیام و هم پیشگویی نتیجه این قیام دلالت دارند. او همچنین از روایاتی که از شنیده شدن صدای هاتفی آسمانی به هنگام شهادت حسین سخن می‌گوید که هیچ کدام از این روایات را نمی‌توان جزو وقایع تاریخی محسوب کرد.

روایات مذکور به جای ارتباط با واقعه فح با پیش فرض‌های ذهنی ابوالفرج مرتبط هستند؛ ظاهراً او از این طریق می‌خواهد حقانیت این قیام را نشان دهد. کتاب ابوالفرج در زمره شرح احوال است اما کتاب احمد بن سهل تألیفی تاریخی است و در این باره دارای انسجام خوبی است هر چند او هم در پی اثبات حقانیت این قیام است اما در این باره از وقایع تاریخی سود جسته است. به نظر می‌رسد که او آگاهانه از آوردن روایات پیشگویانه خودداری کرده و به جای آن به روایاتی توجه کرده و آن‌ها را ثبت و ضبط کرده که در متن این حادثه قرار دارند و شرایط اجتماعی، مذهبی و سیاسی زمان قیام را نشان می‌دهند و برای جلب حمایت مردم از روایات پیشگویانه بهتر به نظر می‌رسند. عنایت او به روایاتی که بیان‌گر وقایع تاریخی هستند، مواد خام تاریخی خوبی برای بررسی و تحقیق در این باره به دست می‌دهد. هر چند کتاب ابوالفرج را می‌توان مکملی در این باره برای این کتاب به شمار آورد اما تألیف ابن سهل از نظر تاریخی ارزش ویژه‌ای دارد.

## کتابشناسی

- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، بیروت، دارالأضواء.
- ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی بن عبدالواحد شیبانی، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- ابن داود حلّی، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبای، الفخری فی الآداب السلطانیة. قاهره مطبعه المعارف، ۱۹۲۳ م.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایه و النهایه، تحقیق یوسف الشیخ محمدالبقاعی، بیروت،

دارالفکر، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، قم، دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۳۸۵ق /

۱۹۶۵م.

حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم، کتاب المصابیح، تحقیق، ماهر جزّار، بیروت، دارالغرب الاسلامی،

۱۹۹۵م.

رازی، احمد بن سهل، اخبار فخر، تحقیق ماهر جزّار، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۵م.

دینوری، حنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر و جمال الدین شیال، قاهره،

۱۹۶۰م.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت،

روائع التراث العربی.

عالم زاده هادی، تاریخنگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تحقیق محمد باقر بهبودی و علی اکبر غفاری، تهران،

۱۳۷۹ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ق.

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق عبدالأمیر مهنا، بیروت، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی.

### پی نوشت ها :

۱. دینوری، ص ۳۸۶

۲. یعقوبی، ج ۲، صص ۴۰۵-۴۰۴

۳. کلینی، ج ۲، ص ۲۳۱

۴. طبری، ج ۸، صص ۲۰۳-۱۹۲

۵. ابوالفرج اصفهانی، صص ۳۰۷-۲۸۵

۶. مسعودی، ج ۳، صص ۳۵۹-۳۵۸

۷. ابن اثیر، ج ۵، صص ۷۶-۷۵ (به نقل از طبری)

۸. ابن طقطقی، ص ۱۷۲

۹. ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۴۴

۱۰. نخستین کتاب‌های کتب تاریخی که نوشته شده، عنوان «اخبار» داشته‌اند. اخبار بیشتر منطبق بر تاریخ ویژه منفردی بود که امروزه شاید بتوان آن را با تک نگاری تاریخی مقایسه کرد. عالم زاده، ص ۱۲

۱۱. آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۱، ص ۳۷۶

۱۲. عالم زاده.

۱۳. مقدمه، شامل تحقیقات ارزشمندی درباره: اسانید و منبع کتاب، وضعیت دعوت زیدیه بعد از قیام نفس زکیه، سیاست مهدی، اسرار دعوت، شرح حال حسین بن علی، حجاز بعد از قیام نفس زکیه، چگونگی دعوت حسین بن علی، علت توجه مردم به او با وجود یحیی و ادریس؛ پسران عبدالله محض، شرح قیام فخر، علل شکست و نتایج قیام، اخبار ادریس و چگونگی رفتن او به مغرب، شهادت او، اخبار یحیی بن عبدالله، حضور او در یمن، شاگردان او، مسیر او به دیلم و چگونگی شهادتش به دست هارون است.

۱۴. ماهر جرار، ص ۱۶

۱۵. ماهر جرار، ص ۸۹

۱۶. همان.

۱۷. ماهر جرار، ص ۲۷

۱۸. از جمله می‌توان از عبدالله بن ابراهیم جعفری، بکر بن صالح، علی بن محمد بن سلیمان نوفلی، مدائنی، عمر بن شبه نام برد.

۱۹. ابوالفرج، صص ۲۹۴-۲۸۵

۲۰. همو، صص ۲۹۳-۲۹۱ [نک. احمد بن ابراهیم حسنی صص ۲۸۳-۲۸۱؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۵؛ طبری، ج ۸، ص ۲۰۰؛ مسعودی، ج ۳، ص ۳۵۸؛ ابن اثیر، ج ۵، ص ۷۵ (به نقل قول از طبری)؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۴۴]

۲۱. احمد بن سهل رازی، صص ۱۶۲-۱۳۱؛ ابوالفرج اصفهانی، صص ۳۰۷-۲۸۵ (ر.ک. به: یعقوبی،

ج ۲، صص ۴۱۴-۴۰۵؛ طبری، ج ۸، صص ۲۰۳-۱۹۲؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۴۴)

۲۲. ابوالفرج ۲۹۰ [نک. احمد بن ابراهیم حسنی، صص ۲۸۰-۲۷۹؛ کلینی، ج ۲، ص ۲۳۱ (شیخ روایت از

پیامبر و امام صادق را روایت کرده، اما روایت عبدالله محض نقل کرده).]

۲۳. همو، ص ۳۰۶ [ر.ک. به: احمد بن ابراهیم حسنی، صص ۳۰۰-۲۹۹]

۲۴. همو، ص ۲۹۸

۲۵. همو، ص ۳۰۴

۲۶. ابوالفرج، ص ۲۹۸ (ر.ک. به: کلینی، ج ۲، ص ۲۳۱ به نقل از ابوالفرج).

۲۷. همو، ص ۳۰۲

۲۸. احمد بن سهل، ص ۱۳۵

۲۹. ارطاة بن حبيب، اسدی کوفی است و از امام صادق ع روایت کرده و صاحب کتاب است. (ابن

داوود، ص ۵۰، نجاشی، ص ۱۰۷) احمد بن سهل او را از دعوات یحیی بن عبدالله شمرده است.

[احمد بن سهل، ص ۱۹۸].

۳۰. ابوالفرج، ص ۲۹۹

۳۱. ماهر جرار، صص ۱۰۰-۹۹

۳۲. احمد بن سهل، صص ۱۵۲-۱۵۰

۳۳. همو، ص ۱۴۸ (احمد بن سهل، از احمد بن سعید، از اسحاق بن ابراهیم که در قیام فخر حضور داشته

است).

۳۴. همان. (پیامبر خدا، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین، زید بن علی، یحیی بن زید، عبدالله حسن،

محمد بن و ابراهیم بن عبدالله).

۳۵. ابوالفرج، ص ۳۰۰ (حسین بن محمد، از کثیر از اسحاق بن ابراهیم: «ای اهل عراق هر کدام از آن

خصلت‌های شریف، شما را به رستگاری رهنمون می‌شوند، به خدا سوگند اگر یاری کننده‌ای هم

نداشته باشم خواهم جنگید تا خداوند مرا به گذشتگانم ملحق کند).

۳۶. احمد بن سهل، صص ۱۵۰-۱۴۹ (احمد بن سهل از حسن بن عبدالواحد، از احمد بن حمزه رازی،

از احمد بن رشید؛ از سعید بن خثیم هلالی که در قیام فخر حضور داشته است).

۳۷. همو، صص ۱۵۴-۱۵۳

۳۸. ابوالفرج، ص ۲۹۹